

الگو شدن قهرمانان ملی و رسالت سنگین فرهنگی و اجتماعی آنان

قهرمانان نمی‌میرند اگر پهلوان شوند

■ محمد مهدی نیک ضمیر

انگار همه پای تلویزیون میخکوب شده‌ایم؛ فرقی نمی‌کند فوتبال باشد یا والیبال، دوومیدانی باشد یا وزنه‌برداری؛ خلاصه اینکه هر رشته‌ای که باشد و هر کسی به عنوان نماینده کشورمان و یکی از فرزندان ایران زمین در میادین ورزشی ظاهر شده باشد نقش آفرینی کند، انگار خود من و تودر آن میدان در حال قدرت‌نمایی هستیم. نفس‌هایمان در سینه حبس می‌شود، بارها از جابری می‌خیزیم و می‌نشینیم تا بلکه بتوانیم هیچ‌انمان را کنترل کنیم. شش دانگ حواسمان به سقیران کشورمان و طرف مقابلش است تا میادا ضربه‌ای نخورد و ناکام بماند. کافی است تا نشانه‌ای از موفقیت به نمایش در بیاید. گلی از طرف تیم ما وارد دروازه شود یا وزنه سنگینی بر روی دستان توآئمند ورزشکار هموطنمان بالا رود، شیرینی این موفقیت را با گوشت و پوست و استخوان خود می‌چشیم و فریاد شادمانی بلند می‌شود. به همین خاطر هم است که به وجود قهرمانان ورزشی‌مان افتخار می‌کنیم و تمام سعی‌مان بر آن است که یک جوهری‌هایی شبیه آنان باشیم. شبیه کسانی که برای ما افتخار آفرینی کرده‌اند و این قهرمانان محبوب چه بخوانند و چه نخواهند برای جوانان به یک الگو تبدیل می‌شوند. وقتی هم که به الگو تبدیل می‌شوی مسئولیت سنگینی بر دوشت گذاشته می‌شود. می‌شوی آینه رفتار حسنه برای مردم و وطن و سفیر فرهنگی کشورت در جهان.

■ پهلوانان در قلب مردم جا دارند

وقتی محبوب و مشهور بشوید خواه ناخواه افراد زیادی سعی می‌کنند شبیه شما باشند. بنابراین الگوپردازی از چهره‌های مشهور در میان طرفداران آنها در سطح جامعه و به طور ویژه نسل جوان امری گریز ناپذیر است. خلاصه اینکه یک قهرمان ورزشی چه از منظر ظاهر و لباس و چه از نظر رفتار و منش می‌شود الگوی بسیاری از افرادی که او را می‌شناسند و دوست دارند، همین مسئله هم مسئولیت‌این افراد و چهره‌ها را برای داشتن رفتارهای درست و حرکات بجایبیشتر می‌کند. در این میان با عنایت به پیشینه فرهنگ پهلوانی در کشورمان و گره خوردن این فرهنگ با ورزش همیشه قهرمانان ورزشی برای مردم جایگاهی متفاوت داشته‌اند؛ جایگاه یک پهلوان و این مرام و مسلک با ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی و اجتماعی کشورمان به گونه‌ای گره خورده است که هنوز هم نام و خاطره پهلوانانی همچون غلامرضا تختی و پوری‌ولی ورد زیان عموم مردم جامعه است. هنوز هم خیلی وقت‌ها هنگامی که صحبت از مرام و معرفت می‌شود، حکایت رفتارها و حرکات ارزشمند و اخلاقی افرادی همچون تختی و پوری‌ولی دهان به دهان می‌چرخد و به شکل غیر مستقیم این مرام، مسلک و سبک زندگی در میان مردم و به خصوص نسل جوان جامعه اشاعه پیدا می‌کند و حرکات قهرمانانه و پهلوانانه آنها همچنان احساس افتخار ملسی را در دل تک تک مردم جامعه شکوفا می‌کند. بر همین اساس است که رهبر فرزانه انقلاب در دیدارشان با قهرمانان و ورزشکاران مسابقات آسیایی و پارا آسیایی تأکید فرمودند «حرکت خوب قهرمان ورزشکار موجب تکثیر میلیون‌ها حرکت خوب در جامعه می‌شود.»

■ گره خوردن پهلوانی با قهرمانی در فرهنگ ملی ایران زمین

فرهنگ پهلوانی ریشه در تاریخ ایران زمین دارد. آن روزهایی که ورزش قهرمانی به شکل و شمایل امروزی‌اش هنوز در دنیا جا نیفتاده بود، مردان ایران زمین ورزش را با اخلاق و جوانمردی می‌آمیختند و حکایت ورزش باستانی و روزخانه‌ای نه فقط حکایت پرورش عضلات و افزایش قدرت بدنی بود بلکه این ورزش همراه با اخلاق و تذهیب نفس بود و کسانی که می‌خواستند از زور پویشان به جز در راه جبر و دستگیری از افتادگان بهره بگیرند در گود مقدس روزخانه جای نداشتند. گود روزخانه حرمت و تقدس داشت و ورزش با تذهیب نفس و تحصیل کمالات اخلاقی و مذهبی گره خورده بود تا بدانجا که بی‌نام خدا، ذکر خدا و اولیای خدا و اذن ولی و مرشد، کسی به گود پا نمی‌گذاشت. این پیشینه تاریخی حکایت از پیوست زمین میان ورزش و اخلاق و حتی مذهب در تاریخ ایران زمین دارد. به همین خاطر هم هست که پهلوانان ورزشی همواره معتمد مردم بودند و برای حفظ این اعتماد و محافظت از حرمت بازوندنهای پهلوانی که همیشه به با اخلاق ترین و ارزشی ترین ورزشکاران می‌رسید، آنها می‌کشیدند در کنار حفظ قدرت بدنی و زور بازو، با رفتار و اخلاشان درست و در شأن یک پهلوان فضای فرهنگی و اجتماعی جامعه را نیز در دست بگیرند و مرام و مسلک پهلوانی را در جامعه گسترش دهند.

■ پهلوانان هرگز نمی‌میرند

مسلک و مرام پهلوانی چنین افرادی موجب شد تا همیشه تاریخ جاودان شوند و حتی پس از مرگ پهلوان باقی بمانند در حالی که قهرمانی تاریخ انقضا دارد و هر قهرمانی روزی سکوی قهرمانی اش را به دیگری واگذار می‌کند. اما پهلوانان هرگز نمی‌میرند و مرام، مسلک و سبک زندگی خود را در میان مردم به یادگار می‌گذارند. بر این اساس همچنان هم جامعه ایرانی از قهرمانان ورزشی که در میادین بین‌المللی برای کشورمان افتخار آفرینی می‌کنند انتظار همان مرام و مسلک پهلوانی را دارد. به بیان دیگر قهرمان ورزشی مانند هر چهره مشهور دیگری زیر دره‌بین میلیون‌ها نفر انسان قرار دارد و بدیهی است رفتارهای خوب و حتی احوالآ رفتارهای نادرست و بد چنین افرادی می‌تواند به جوانان جامعه الگو بدهد ضمن آنکه ورزشکاران نماینده کشور در میادین جهانی هستند و به نوعی سفیران فرهنگی و حتی عقیدتی نیز به شمار می‌آیند. اما چسرا رفتارهای خوب یک قهرمان ورزشی می‌تواند موجب تکثیر این رفتار در جامعه و به طور ویژه در میان جوانان باشد؛

■ رزاقیت جهانی برای ارانه الگو

در دنیای امروز رقابتی سخت میان جوامع و فرهنگ‌های

مختلف برای الگودهی به جوانان وجود

دارد چرا که جامعه و فرهنگی که موفق شود به جوانان دیگر جوامع الگو دهد در واقع در جبهه

فرهنگی پیروزان این نبرد شده و فرهنگ و سبک زندگی‌اش را از این مسیر اشاعه می‌دهد و بر دیگر فرهنگ‌ها مسلط می‌نماید. بدیهی است با همونی فرهنگ تسلط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بسیار آسان‌تر اتفاق می‌افتد. این تسلط اما به منظور بهره‌برداری از منابع و ثروت‌های جوامع دیگر طرح‌ریزی می‌شود و هم اکنون سال‌هاست چنین روندی از سوی کشورهای غربی برای تسلط بر جوانان دیگر دنبال می‌شود. به همین خاطر هم هست

که این جوامع می‌کوشند از راهکارهای مختلف ارزش‌ها و سبک زندگی جوامع دیگر را تغییر دهند. در این میان جوانان بهترین گزینهای هستند که می‌توان از طریق ابزار رسانه برایشان الگوها و اسطوره‌های هیولودی، بازی‌های طراحی کرد و از این مسیر بخش مهمی از ناتوی فرهنگی به بار می‌نشینند. به همین خاطر جهان غرب می‌کوشد تا به رغم آنکه تاریخ و اسطوره‌های قابل عرضه‌ای ندارد برای خودش تاریخ و اسطوره‌ها و قهرمانان خیالی دست و پا کند و با کمک ابزارهایی همچون سینما و بازی‌های رایانه‌ای این الگوهای بدلی و مبتنی بر ارزش‌های خود را به خورد دیگر ملت‌ها بدهند. این اسطوره‌های ساختگی را به راحتی می‌توانید در فیلم‌های هالیوودی، بازی‌های

رایانه‌ای، اسباب‌بازی‌های وارداتی و حتی روی کیف و کفش و لوازم التحریر کودکان خود ببینید؛ اسطوره‌های ساختگی و الگوهای دروغینی که در تلاشتند تا حتی از دوران کودکی در ذهن بچه‌های ما جا‌باز کنند و الگوهایی در درون آنها نهادینه کنند. این در حالی است که ما اسطوره‌ها و قهرمانان ملی و بومی متعددی داریم که خیلی وقت‌ها در سطح جهانی مطرح‌اند. در برابر چنین روندی اما قهرمانان ورزشی هر جامعه‌ای می‌توانند الگوهای بومی و ارزشی خوبی برای جوانان همان جامعه باشند. بر این اساس اهمیت شیوه رفتار و اخلاق قهرمانان ورزشی امروز بی‌شک از دوران‌های قدیم بیشتر و بالاتر است چراکه با عنایت به گسترده‌گی ارتباطات و رقابت‌های جهانی برای ارائه الگو به جوانان به منظور سلطه فرهنگی، جوان امروز جامعه ایرانی بیش از پیش به الگوهای بومی و ملی شایسته، ارزشی و با اخلاق نیازمند است تا بتواند با نزدیک شدن به این الگوها خود را در مسیر رشد و شکوفایی قرار داده و از دام‌هایی که در این مسیر بر سر راهش قرار می‌گیرد به سلامت عبور کند. بر همین اساس



سبک رفتار

بازگشت ناگزیر به سبک زندگی ایرانی – اسلامی

نسخه زندگی ماهوارهای قلابی از آب در آمد

■ فائزه مقدم

هیچ نفهمیدیم چه شد که یکباره این قدر عوض شدیم، روزگاری نه چندان دور روابط همسایگان آنقدر با صفا و صمیمی بود که گویی از یک خانواده‌اند؛ از دواج‌ها هر چند ساده‌اما شاد بود و زندگی‌ها شیرین و پایدار؛ بزرگان و ریش سفیدان هر محل که جاسی خود، مرام لوطی‌های محل هم زیناند عام و خاص بود؛ ولی هیچ کس به درستی نمی‌داند که چه اتفاقی در طول این ۱۵-۱۰ سال افناد انکار به یکباره از دنیای به دنیای دیگری بر تراب شدیم. دنیایی که در آن بسیاری از ارزش‌هایمان تغییر کرد. دنیایی که به موبایلمان بیشتر از افراد خانواده سر می‌زنیم و به دوستان فضای مجازی که حتی از اسمشان نیز مطمئن نیستیم اهمیت بیشتری می‌دهیم. ابراز احساساتمان هم خلاصه شده در انواع شکلک‌های خنده، گریه، شاد، خسته و... اگر خیلی هم احساساتی شویم کامنتی هم زیر آن می‌گذاریم که «لایک». دیگر روابط صمیمی با همسایگان در زندگی‌مان جای‌ ندارد؛ در انواع شکک‌های خنده، گریه، شاد، خسته و... اگر خیلی هم احساساتی شویم کامنتی هم زیر آن می‌گذاریم که «لایک». دیگر روابط صمیمی با همسایگان در زندگی‌مان جای‌ ندارد؛ در انواع شکک‌های خنده، گریه، شاد، خسته و... اگر خیلی هم احساساتی شویم کامنتی هم زیر آن می‌گذاریم که «لایک».

ولی حالا...

«

به دوستان فضای مجازی که حتی از اسمشان نیز مطمئن نیستیم اهمیت بیشتری می‌دهیم. ابراز احساساتمان هم خلاصه شده در انواع شکلک‌های خنده، گریه، شاد، خسته و... اگر خیلی هم احساساتی شویم کامنتی هم زیر آن می‌گذاریم که «لایک»

احساس تحقیر را داریم؛ احساسی که دشمنان باالقای آن می‌کوشند تا بر جوامع دیگر تسلط یابند. به بیان دیگر ملتی که از برجستگی‌های امتیازات و ارزش‌های خود غفلت کند و خود را کوچک

و حقیر ببیند راه به جایی نخواهد برد و خیلی راحت زیر سلطه می‌رود بنابراین ملت‌ها باید افتخارات خودشان را بشناسند تا حس افتخار ملی در درونشان تقویت شده و احساس عزت کنند. در کشور ما نیز ملت‌ما چه در پیشینه تاریخی خود و چه در زمان حال افتخارات متعددی دارند که می‌تواند احساس افتخار و عزت ملی را در درون اعضای جامعه تقویت نماید.

■ قهرمانان ورزشی سفیران فرهنگ ملی؛ بدیهی است وقتی یک ورزشکار در میادین ورزشی ظاهر می‌شود و افتخار آفرینی می‌کند به نمایندگی از کشور و مردم ایران در چنین جایگاهی ظاهر شده و رفتار وی معرف فرهنگ و ارزش‌های حاکم بر کشوری است که به نمایندگی از سنوی مردمش در این میادین حضور یافته و به تعبیر رهبر انقلاب معرف «شخصیت ملی» آن ورزشکار است. بنا به تأکید حضرت آیت الله خامنه‌ای حضور با حجاب بانوان ورزشکار ایرانی بر سکوی قهرمانی، ذکر نام امه

در میادین بین‌المللی ورزشی یا پوشیدن لباس‌هایی در تصویر این نام‌های مبارک فقط بر مبنای یک اعتقاد شخصی به شمار نمی‌رود بلکه نشانه و نمادی از معنویت ملت ایران است که با خود پیامی از جنس استقامت ملی نیز دارد. آن هم در شرایطی که جهان غرب برای معنویت زدایی، دین‌زدایی و حیازدایی در تلاش است و از تمامی ظرفیتهای خود برای دستیابی به این مقصود بهره می‌گیرد. در این شرایط در واقع می‌توان از حضور پر صلابت ورزشکاران ایرانی در میادین بین‌المللی به عنوان ظرفیتی قوی برای معرفی فرهنگ و ارزش‌های ایرانی و حتی رساندن پیام معنویت‌دین اسلام بهره گرفت چراکه وقتی کسی بر روی سکوی قهرمانی قرار می‌گیرد خواه ناخواه نگاه میلیون‌ها نفر از سراسر جهان را به سوی خود جلب می‌کند؛ نگاهی که به طور ویژه می‌بندد، تحلیل می‌کند و الگوی می‌بخشد.

■ نماد ایستادگی ملت ایران؛ یکی دیگر از آثار حضور با صلابت جوانان ایرانی در میادین ورزشی جهانی بر اساس اعتقادات، باورها و ارزش‌های خود رساندن پیام ایستادگی ملت ایران در مقابل فشارهای تبلیغاتی دستگاه‌های مصر و مخرب است. در شرایطی که جهان غرب در راستای ترویج بی‌عفتی و برهنگی تلاش می‌کند و با همه توان برای ضد اخلاقیات و ضد معنویت تلاش می‌کند حضور با حجاب و با چادر بانوان ورزشکار ایرانی بر سکوی قهرمانی نمادی از مقاومت ملت ایران در برابر این تهاجم است. همچنانکه دست ندادن جوان ما با خانم‌هایی که می‌خواهند مدال گردنشان ببندازند علاوه بر ترویج معنویت و نماد استقامت بودن، آبروی ملی هم به شمار می‌رود.

■ قهرمانی، شمشیری دو دم

در برابر این تمرات و دستاوردهایی که حضور جوانان ایرانی بر سکوی قهرمانی جهان دارد رفتارهای نادرست و خلاف قانون آنها نیز می‌تواند آبروی ملی ما را مورد خدشه قرار دهد. نمونه رفتارهایی که می‌تواند آبروی کشورمان را در مجامع بین‌المللی دستخوش تردید قرار دهد و ثمره تلاش و کوشش دیگر قهرمانان کشور را زایل کند رفتارهایی چون دوپینگ است که خلاف قانون بوده و تخلفی آشکار به شمار می‌رود و تبعات ناخوشایند متعددی را در پی خواهد داشت. بر این اساس بنا به تعبیر رهبر انقلاب «قهرمان شدن، محبوب شدن، در دل مردم جاگرفتن، یک شمشیر دو دم است؛ خیلی خوب است، اگر به لوازم آن بتوانیم پایبند باشیم؛ خطرناک است، اگر خدای نکرده نتوانیم به لوازم آن پایبند باشیم.»



این تغییرات را برخی به ماهواره نسبت می‌دهند و برخی دیگر به فاصله گرفتن از فرهنگ بومی و... ولی حقیقت این است که اینن تغییرات آنقدر نامحسوس و سریع روی داد که حتی جامعه‌شناسان و کارشناسان امر را هم غافلگیر کرد و روی گویر به صد ساله‌ا را یک شبه رفتیم و زمانی به خود آمدیم که کار از کار گذشته بود. اما وقتی خوب دقت کنیم می‌بینیم به طور کلی آنچه بر روابط اجتماعی مان سایه افکنده صرفا استیل زندگی غربی است حالا از کجا وارد شد و کی بماند ولسی در این خصوص هم به قول دوستی نه زنگی رنگیم و نه رومی روم؛ نه بهره سبک زندگی غربی‌را می‌بریم، چراکه مسلمانی، نه بهره سبک زندگی اسلامی را، چرا که مقلد غرب هستیم. خلاصه از این جا مانده و از آنجا رانده، خود هم نمی‌دانیم کجاسی می‌رویم. البته حسدس زند چنین موضوعی چندان دشوار نیست؛ اگر نیم‌نگاهی به آمارها ببینازید همه چیز دستتان می‌آید:

-قاجاق هر ساله ۵۰۰ کودک و زن از اروپای شرقی، جنوب شرقی آسیا و آمریکای جنوبی و هم به سعادت ابدی می‌رسیم.

نمی‌توان در قالب سبک زندگی گذشته زیست و هیچ وقت آنچه را که قابل انجام نباشد بر بشر تکلیف نمی‌کند و چه بسا از طریق اهل بیت (ع) در بحث قالب زندگی از ما خواسته شده که فرزند زمان خود باشیم که سیره خود این بزرگان نیز گواه بر این است. البته در طول تاریخ کسانی هم بوده‌اند که تلاش می‌کردند از پیشرفت‌های زمان خودشان را دور نگه‌دارند ولی نه تنها هرگز مورد تأیید بزرگان دین واقع نشده بلکه مورد مذمت آنان نیز قرار گرفته‌اند.

عکس نوشت



گاهی وقت‌ها با خود خلوت کن ...

به گوشه دنجی برو...

جایی که فقط تو باشی و خدا...

در هیاهوی زندگی ماشینی که خود

را کم کرده‌ایم، این خلوت‌ها کلید

«بازگشت به خویشتن» است.